

بسم الله الرحمن الرحيم: قطريه ۸۲ از کتاب هزار و یک قطريه در رفع خشکسالی ايران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله - نمونه هایی از هشدارهای مسئولین به همراه قطريه ۱۴ از کتاب هزار و یک قطريه - مسئولین ما سه دسته هستند و حالت چهارم هم ندارد: الف: مسئولینی که نمی دانند خشکسالی است این اشخاص در این جایگاه غاصب هستند، البته این طیف بسیار کم هستند، در ايران مگر کسی عوام باشد که نداند خشکسالی داریم و این خشکسالی چقدر مخوف می باشد، این طیف را باید آگاه نمود، گناه این طیف غیرقابل بخشش است. ب: مسئولینی که می دانند خشکسالی است که خود دو گروه هستند یا برای بر طرف کردن خشکسالی تلاش می کنند و یا تلاش نمی کنند، گناه کسی که می دانند خشکسالی است ولی تلاش نمی کنند از آن کسانی که نمی دانند خشکسالیست بیشتر است، اما گروهی که می دانند خشکسالی است و برای این مسئله تلاش کرده اند، اینها مأجور هستند و ما به این گروه باید نزدیک شویم و راهکارهای خود را به آنان ارائه دهیم، آنان انسان های پاک طینتی هستند که عنده الله مأجور هستند، ما هم راه حلی داریم که آنان گوش شنوا دارند و انشاء الله به زودی کلام ما را می شنوند. ج: مسئولینی که می دانند خشکسالی داریم و می توانند برای رفع آن تلاش کنند ولی برای زیاد شدن خشکسالی تلاش مکینند و تماماً برای رفع خشکسالی مانع تراشی می کنند، آنان افراد نفوذی هستند که می دانند با گسترش خشکسالی نظام به چالش کشیده شده و به براندازی نزدیک می شویم، آنان راهکارهای بیرون رفت از خشکسالی را به صورت مرموز پنهان داشته اند و این اولویت اول نظام را به تأخیر می اندازند، تا نظام را با روش خود سرنگون کرده و شکل حکومتی خود را در ایران اجرا نمایند، سود آینده و حال این گروه در گروی خشکسالی است، سود هم اکنون آنها بیکاری کشاورز و دامدار و بالغدار و صنعت پارچه و ساختمان و ... است که نتیجه هی آن جواز ورود قام این کالاها است، نتیجه آن اختلاف طبقاتی و نارضایتی مردم، نتیجه هی آن پولدار شدن آنها و به برداگی کشیدن قشر عظیمی از جامعه ایران، نتیجه هی اینها نارضایتی مردم و شروع آشوبها و حرکت به سمت براندازی نرم و تغییر نظام است، این طیف خائن هستند، این همان الگوی است که غرب برای استعمار جدید خود طرح ریزی کرده است، استعمار مدیریتی نرم، افرادی وابسته در مناصب حساس برای منافع دشمن در حال فعالیت هستند، آنان هم از توبه هی خود هم از آخر، آنان اگر دین حاکم باشند دین دارترین و اگر کفر حاکم باشد کافترین هستند، اینان خواب نیستند که حتی با لگد هم بتوان بیدارشان کرد، آنان ذهن ها را از مسئله اصلی منحرف می کنند، آنان نمازگزاران بوضوی هستند که می خواهند امام جماعت هم باشند، اگر بگویی خشکسالی می توانند ساعت ها سخنرانی کنند، در لفاظی ید طولانی دارند اما انتهای کلام آنان جز سر در گمی چیزی نیست، بله منافق زیاد می گوید و کم عمل می کند و مؤمن کم می گوید و زیاد عمل می کند، این گروه برای هر عمل خود توجیه دارند که عقلها را حیران می کند، آنان امور را خراب می کنند و در هنگامهای جواب دادن گناه را به گردان دیگری می اندازند، آنان دائماً چهره عوض می کنند، تا دیروز دشمن و خود را در معرض خطر بینند دارند همه را فریب دهند، رئیس آنان عمره عاص و است، آنان اگر دین حاکم باشند دین دارترین و اگر کفر حاکم باشد کافترین هستند، آنان توانایی لباس زیبین خود را در میاوردند تا مؤمن رو برگرداند و آنان فرار کنند، تمام ادیان الهی از این گروه ضربه خورده اند و ما نیز از آنان ضربه خورده و می خوریم به عقیده هی بند و بسیاری از کارشناسان امروز ما در حوزه هی آب شاهد نفوذ هستیم و اگر فرضآ افرادی به صورت مستقیم با اجانب در ارتباط نباشند آنان مهندسی نرم افزاری شده اند و در حال اجرایی کردن امیال دشمنان هستند یکی از دلایل این است: چرا که ما از بعد از انقلاب تا کنون به این و خامت در حوزه هی آب رسیده ایم که حتی در طول چند هزار سال گذشته بی سابقه بوده است؟ (در یکی از قطريه ها توضیح خواهیم داد) بعد از انقلاب قرار بود پیشرفت حاصل شود، چرا در زمینه هی آب، ذخایر آبی خود را از دست داده ایم؟ بعد از انقلاب باید در حوزه هی آب پیشرفت می کردیم ولی پس رفت نموده ایم، یا باید بگوییم تفکر اسلامی باعث این و خامت شده است؟ یا باید بگوییم این و خامت در حوزه هی آب نتیجه هی تفکر و عمل غربی است؟ یا باید بگوییم غرب ما را برنامه ریزی کرد که این گونه فکر کنیم و این گونه عمل نماییم، که به زودی در قطريه های آینده باید سد سازی در ایران را مورد برسی قرار می دهیم، بلاعی که برای ما خرابی به همراه داشت، زمینه های آباد پایین دست خشک شد و زمینه های آباد بالادست زیر آب رفت یعنی عملاً زمین ها را ویران نمودیم، از طرفی در بعض از موارد آب شیرین را با سد سازی شور نمودیم و با این حركت باعث شدیم آب از عمق زمین به سطح بیاید که خود این حركت باعث شد خورشید سریع تر آب را بخار کند و ایران سریع تر خشک شود، این مطلب را در ضمن یکی از قطريه ها توضیح خواهیم داد، این در حالی است که در ابتدای انقلاب تعداد سدهای کشور ۱۹ عدد بوده است و هم اکنون تقریباً بالای ۶۴۰ سد موجود می باشد در حالی که چشم انداز تقریباً سه هزار سد می باشد، لازم است بدایم دلیل اصلی سد سازی تولید برق آبی بوده که بعداً این مطلب را نیز مورد برسی قرار می دهیم ولی اگر چه که دلیل به ظاهر خوبی برای سد سازی می باشد اما چگونه است که هم اکنون ۴۰ الی ۶۰ % طرفیت سدها خالی از آب می باشد؟ از بین ۱۶۹ سد بزرگ در کشور تا تاریخ ۱۷ شهریور ۹۵، فقط مخزن ۲۰ سد، بین ۹۰ تا ۱۰۰ درصد پر و ذخیره هی آب ۷۷ سد بزرگ کشور کمتر از ۴ درصد است، اول فکر غذا را می کردیم بعد سفره را پهن می کردیم، سدهای بدون آب چه فایده ای دارند؟ و به زودی با این روال سدهای ایران به درد انباسته شدن ریگهای بیابان می خورد و این چیزی به دور از ذهنی نیست زمانی که در رودخانه زاینده رود می توان فوتbal بازی کرد و کویر لوط را در آنجا مشاهده نمود، به سد ساختیم زمین پایین دست خشک شد، کشاورزی ویران شد، فقیر فقیرتر شد وقتی مردم اعتراض کردند توجیهات بیهوده آور دیم و گفتیم شما هم بالاتر سد بسازید حالا ترکیه سد ایلیس می سازد و اروند و کارون که منابع مهم استراتژیک ایران است خشک می شود، وقتی که ما اعتراض کنیم آنها به ما همان جوابی را خواهند داد که ما به مردم خود دادیم، اگر بگوییم اینها خلاف معادلات بین المللی است آنها همان جوابی را خواهند داد ما در قبال معاهده های بین المللی که قبول نداریم داده ایم، پس در حق ملت خود ظلم کردیم حال ظلم می شویم، به زودی هیچ کشوری اجازه نخواهد داد که قطريه های آب از کشور ش خارج شود حتی اگر به آن آب احتیاج نداشته باشد و دلیل آن این است به زودی پشتونهای قدرت و ثروت ملت ها آب خواهد بود که همین الان هم می باشد لذا در اینجاست که ما اعلام نمودیم قدرت برتر بشریت در دستان کسانی است که بتوانند آب را از آسمان انتقال دهند مبع اصلی آب آسمان بوده و می باشد که قرآن دائماً می فرماید انزلنا من السماء در حالی که نگاه ما برای آب دائماً به زمین و اعماق زمین بوده است، و البته هر چه هوا گرمتر شود منبع آبی آسمان بیشتر می شود تا جایی که منبع آبی از قطب شمال و جنوب به آسمان انتقال پیدا کند و البته این هم کار خداست و دلیل آن این است چرا آب که منبع حیات و قدرت است انحصاراً در دست آمریکای جنایتکار باشد؟ لذا خشکسالی به سرعت منابع آبی آمریکا را از آنجا به آسمان میرد و آمریکای بدون آب در کمال ضعف خواهد بود لذا آمریکا به دلایل مختلف در آستانه فرو پاشی است، و غرب این قدرت را (انتقال آب از آسمان) سالها پیش به دست آورده و غصه نخورید امروز هدده از الگوی برتری خبر دارد که می توان آب را از آسمان انتقال داد، این الگو تا زمان راستی آزمایی قابل اثبات نیست و قابل انکار هم نیست، امریست ممکن همان گونه هدده برای سلیمان ع خبری آورد که سلیمان ع بی اطلاع بود، هدده خبری آورد ممکن سلیمان ع او را راستی آزمایی نمود، و صدق هدده معلوم گردید، در زمان راستی آزمایی حق و باطل معلوم گردد، خبر هدده نه فضیلتی برای هدده بود و نه کسر شانی برای سلیمان، چرا که هدده یکی از لشکریان سلیمان بود، ولی حیف از کسانی که ادعای علم می کنند و امور ممکن را محال می کنند در حالی که قرآن به ما یاد داد اگر کسی گفته میتوانم قبل از بلند شدن از صندلی، تخت بلقیس را از جایی دور جابجا کنم سوالی دیگر مطرح کنید بپرسید کسی میتواند سریع تر و در زمان کمتری این کار را انجام دهد؟ زمان قابل تقیل است تا زمانی که به لحظه برسد و هر ثانیه به بی نهایت لحظه قابل تقسیم است؟ امروز اگر هدده گفت دو ماهه مشکل آب ایران قابل حل است، سوال عاقلانه این است که

کسی میتواند در کمتر از آن و ... و در لحظه‌ای مشکل را بر طرف کند؟ البته کسی که انکار میکند، هدّهُد را رسوا نمیکند بلکه در ضمن انکار هدّهُد آشکار نموده که از قرآن و معارف الهی چیزی نمیداند و بر صاحب علم این مطلب روش است، لذا فرقی نمی‌کند که سد ایلیس توسط ترکیه زده شود و قطره‌ای آب انتقال پیدا نکند، فرقی نمی‌کند کشورهای شمالی نیز سد بزنند و اجازه‌ی ورود آب را ندهند، فرقی نمی‌کند سد هیرمند را افغانستان بزند و اجازه‌ی ورود آب به شرق کشور را ندهد، فرقی نمی‌کند که با نیروی هارپ در صدد گرم و خشک کردن ایران باشند هیچ فرقی نمی‌کند بلکه مکتب اهل‌بیت ع ما را نجات می‌دهد و در کمال ناباوری به زودی تمامی جهانیان مبهوت قدرت علمی مکتب اهل‌بیت ع میشووند، به زودی ما به ابرقدرت آبی دنیا تبدیل می‌شویم، ما آب تصفیه‌شده را از آسمان ترکیه و روسیه و همه جا بدون هزینه‌ی مصرفی برای هارپ و یونیزه کرده و بارور کردن ابرها و انفجار یون منفی در آسمان و تمامی راهکارهایی که غرب به برای ما به ارمغان داشته است همه‌ی این آب‌ها را بدون هزینه و زحمت چندانی از آسمان برای زمین‌های خود به ارمغان میاوریم، و هر که با ما باشد سیراب شود و هر که نباشد خشک شود و رمز پیروزی این است که ما با خدایم و خدا با ماست، ما عددهای صفری هستیم که با بی‌نهایت جمع شده‌ایم و بی‌نهایت شده‌ایم ما فقیر هم نیستیم بلکه فقر مطلق هستیم، بله این قدرت اسلام است که: الاسلام يعلوا و لا يعلى عليه و غصه نخورید که چه زمان این اتفاق می‌افتد زمان به سرعت می‌گذرد و ایران در حال خشک شدن است و خطر مرگ ملت و دین در راه است ما با خشک‌سالی شدید مدد می‌شویم که خشک‌سالی لشکر خداست که مؤمنین را یاری می‌کند و اگر هم اکنون گوش ندهنند در زمان حساس در گوشی ذهن میلونها نفری که کلام ما را شنیدند این سؤال پیش می‌اید که شاید هدّهُد (بهرامی) راست می‌گفت و توانایی این کار موجود بوده و آن زمان صداقت ما اثبات می‌شود، ولی گناه مشکلاتی که هر لحظه تا آن زمان بر ما هجوم می‌آورد که از حد شمارش بیرون است بر تمامی کسانی است که شنیدند و کمک نکردند و جدی نگرفتند ما تا آن زمان صبر می‌کنیم که کلید پیروزی ما در صبر و گذر زمان است، واستعینوا بالصبر و الصلوه، طلای بی‌رنگ و بی‌بوی بشریت آب است، مخصوصاً اینکه ما در حوزه‌ی آب هنوز نتوانسته‌ایم مهندسی اسلامی دکترای آب را ارائه دهیم، پس معیار سنجش افراد در حوزه علوم مختلفی که به آب ارتباط دارد در دست دانشگاه‌های غربی می‌باشد و در بند اول قطره‌ی ۸۱ مطرح نمودیم دانشگاه‌های موجود غربی که توسط صهیونیزم تعیین جهت می‌شوند شعبده‌های علمی می‌کنند و برای ملت‌ها اموری را تعیین می‌کنند که خود به آن اعتقادی ندارند ولی ملت‌ها به آن امور اعتقاد پیدا می‌کنند، آن‌ها علوم اصلی را که خود اعتقاد دارند و عمل می‌کنند را پنهان می‌کنند، نفوذ در حوزه‌ی آب و کنترل نرم‌افزاری مدیران و تصمیم‌گیران و تصمیم سازان از جمله حساس‌ترین امور هر مملکت است که اتفاقاً واکنش‌ها در این حوزه از تمامی حوزه‌ها کمتر می‌باشد درحالی که اگر آنان آب را تحت کنترل گرفته‌اند از اقتصاد و سیاست و فرهنگ و امور اجتماعی و ...، لذا ما به تمامی مدیران و مسئولین اعلام می‌داریم باید آب را به همه جا برسانید، اگر می‌توانید راهکار عملی را ارائه دهید، تاکید می‌کنم ما راهکار شما را می‌خواهیم بینیم و نظر دهیم، اگر راهکار ندارید راهکار ما ببینید و نظر دهید، ولی اگر راهکار را ارائه ندادید و یا نقدهای ما را جواب ندادید و یا راهکارهای عملی و نجات‌بخش را جواب ندادید راهی نمی‌ماند جز این که به این یقین برسیم راهکاری ندارید و راهکارها را هم قبول می‌کنید و در این زمان و در آینده‌ی نزدیک دردی از این ملت دوا نخواهید نمود. رهبر انقلاب دامت برکاته در مورد نفوذ رهنمودهای بسیاری دارند که باید مورد مطالعه قرار بگیرد و بند در این زمان تمامی آن رهنمودها را با توجه به آب ملاحظه می‌نماییم؛ وقتی یک کشور تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، چهگی‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده‌ی آن‌ها است؛ آن‌ها هم همین را می‌خواهند. آن‌ها دوست می‌دارند که یک نفر از خودشان را بر یک کشوری مسلط بکنند، مثل آن چیزی که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در هند این کار را کردند؛ از خودشان آنچه مأمور داشتند؛ یک نفر از انگلیس رئیس هند بود. امروز این امکان‌پذیر نیست؛ برای آن‌ها بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آن‌ها فکر کنند، مثل آن‌ها و بر طبق مصالح آن‌ها تصمیم بگیرند؛ این نفوذ سیاسی است. [هدف این است که] در مراکز تصمیم‌گیری نفوذ کنند، اگر نتوانستند در مراکز تصمیم سازی [نفوذ کنند]] در جای دیگر همین سخنرانی بیان فرمودند: از همه‌ی طرق هم استفاده می‌کنند و آدمهای گوناگونی هم دارند؛ استاد دانشگاه هم دارند، فعل دانشجویی هم دارند، نخبه‌ی فکری و علمی هم دارند؛ همه جور آدمی برای ایجاد این رخنه‌ها هستند. ۹۴- ۶.۲۵۰- دکتر عیسی کلانتری معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان محیط زیست ایران و دبیر ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه: در این ۳۵ سال فقط ۱۲۰ میلیارد مکعب آبهای شیرین فسیلی صدها هزار ساله که حدود ۷۵٪ آبهای شیرین زیر زمینی بود را مصرف کردیم که حدود ۷۵ میلیارد متر مکعب آن در ۸ سال گذشته بوده است یعنی منابع را تاراج کردیم! جمعیت را افزایش دادیم غالباً از اینکه این جمعیت باید در یک کشور آباد نزدیک کند. بدون توجه به نیازهای جمعیت، منابع کشور را برای رفع نیازها به تاراج گذاشتیم. امروز هیچ تلااب درون سرزمینی، آب ندارد، از بختگان تا هور العظیم، گاوخونی و اورمیه! آب‌های زیر زمینی ما در حال شور شدن است و ادامه این روند یعنی تخلیه ایران از جنوب البرز تا دریاهای آزاد و از شرق زاگرس تا مرزهای شرقی کشور. ما امانتدار بسیار بدی برای این تهدن ۷۰۰۰ ساله بودیم، زاینده رود ۹۰۰ میلیون متر مکعب از سرچشم‌های کارون وارد آن می‌شود، یعنی نصف آب زاینده رود از سرچشم‌های کارون می‌آید. در استاندارد جهانی هر کشوری که ۲۰٪ از آب‌های تجدید پذیرش را هر سال استفاده کند هیچ خطی از نظر منابع آب متوجه اش نیست. اگر ۲۰ تا ۴۰٪ استفاده شود به شرط مدیریت می‌توانند در دراز مدت منابع آب را تامین کنند. اما اگر بالای ۴۰٪ استفاده کند وارد بحران شده‌اند. دو کشور در دنیا بالای ۴۰٪ استفاده می‌کنند، اولی مصرف است با ۴۶٪ و ایران با ۸۵٪ این یعنی بزودی همه جای ایران مثل گاوخونی خشک خواهد شد. حتی امروز هم دیر شد و اگر سیاست هایمان را عوض نکنیم این کشور را همراه نسل خودمان خواهیم کرد. کارشناسان و دانشگاه‌هایان مستقل معتقدند آب‌های تجدید پذیر حدود ۹۵ میلیارد متر مکعب است اما وزارت نیرو معتقد است ۱۲۰ میلیارد متر مکعب آب تجدید پذیر داریم. اگر حرف دانشگاه‌هایان و کارشناسان مستقل را ملاک قرار دهیم یعنی سالانه ۹۶٪ از منابع آب تجدید پذیرمان را استفاده می‌کنیم و کاری که ما با آب‌های زیر زمینی می‌کنیم یعنی دزدی theft از نسل بعد. یعنی نسل کشی. نه تنها آب شیرین را تمام می‌کنیم، همه کشور را بیابان می‌کنیم. آب مصرفی باید کاهش پیدا کند هیچ راه دیگر وجود ندارد و برای کل کشور احساس خطر می‌کنم. پتانسیل برداشت بیش از حد از آب‌های زیر زمینی را نداریم. سال گذشته برای ۴۴ میلیون نفر غذا وارد کردیم. فقط برای ۳۳ میلیون نفر در داخل کشور غذا تولید کردیم و بیش از این توانایی نداریم و اگر فشار بیش از حد وارد شود مرگ سرزین ایران سریعتر اتفاق خواهد افتاد. بحران آب در ایران هنوز برای بسیاری از اقسام جامعه به یک باور تبدیل نشده است؛ درحال حاضر ۷۰ درصد جمعیت کشور با سرانه زیر ۹۰۰ متر مکعب آب در سال زندگی می‌کنند و این از نظر استانداردهای جهانی یعنی رخداد فاجعه بزرگ. اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ۷۰ درصد ایرانیان یعنی جمعیتی معادل ۵۰ میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند. مطابق برآوردهای علمی، منابع کشش تأمین نیازهای جمعیت فعلی ایران را ندارد و در آینده نه چندان دور حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران باید از کشور مهاجرت کنند اما با وضع دیپلماسی خارجی ایران، کدام کشورها حاضرند؟ ۴۰ تا ۵۰ میلیون ایرانی را اسکان دهند؟ اما چگونه می‌خواهیم برای اسکان قریب به ۵۰ میلیون نفر ایرانی چاره‌اندیشی کنیم؟ حتی در صورت بارش ایده‌آل و نفوذ آب به زیر زمین، جایی برای ذخیره آن وجود ندارد. درحال حاضر وضع آبی برخی از شهرهای ایران به سطح رسیده است که آن شهرها از نظر تعاریف علمی و استانداردهای جهانی به «شهر مرد» تعبیر می‌شوند. سازمان محیط‌زیست در ایران تا امروز یک سازمان مرده و تشریفاتی بوده است.